

واژه‌ها متنابه سال دهم

واژه	معنا	واژه مشابه	معنا
بحر	دریا	بهر	برای
خواستن	طلب کردن	خاستن	بلندشدن
طَبَع	سرشت/ذات	تَبَع	پیروی
مطبوع	خوشایند/چاپ شده	متبوع	پیروی شده
غالب	چیره / پیروز	قالب	شکل/پیکر
مغلوب	شکست خورده	مقلوب	وارونه شده
خوار	ذلیل	خار	تبغ
قَرَض	وام/بدهی	عَرَض	هدف
فِرَاق	دوری	قِرَاق	آسایش
رَقَم	عدد	رَعَم	برخلاف میل
عَلَم	پرچم	آلَم	درد
قربت(قریب)	نزدیکی(نزدیک)	غربت(غریب)	دوری(دور)
حیات	زندگی	حیاط	تو رو خدا اینم معنیشو ندون!!!!
ذَلَّت	خواری	زَلَّت	گمراهی/خطا/گناه/لغزش
نقض	شکستن	نقض	دلکش/خوش
أهرام	جمع هرم	احرام	لباس حج پوشیدن
هُرّاً	صدای بلند	حَرّاً	نام کوهی در مکه
عمارت	بناکردن/ساختمان	امارت	فرمانروایی
أَجَل	مرگ	عَجَل	عجله
عزا	سوگ / مصیبت	إِزَا ( در اِزای...)	برابر (در برابر...)
صور	بوق	سور	جشن
عرش	تخت پادشاه	أَرش	واحد اندازه گیری
رسا	بلند	رثا	ستاش
هلال	ماه نو	حَلال	روا
هول	ترس	حول	اطراف
هایل	ترسناک	حایل	مانع
سُطور	جمع سَطْر	سُتور	چهارپا
آشباه	جمع شبیه/مانندها/مثلها	أشباح	جمع شمع/کالبدها/سایه ها
طاس	ظرف	تاس	کچل ☺
صَدْر	بالا	سِدْر	نوعی درخت
غیاث	فریادرس	قیاس	مقایسه
خوان	سفره	خان	شاه / سرور
زُلال	شفاف	ضلال	گمراهی
مُسلِح	دارای سلاح	مُصلِح	اصلاح کننده
توسل	دست به دامان شدن	توصل	رسیدن/پیوستن